



پاینده باد انقلاب!

مرگ بر امپریالیسم و چاکران ارتجاعی
آن!

مرگ امپریالیسم اجتناب ناپذیر است! "امپریالیسم و ارتجاع، در اصل، با دید درازمدت، از نقطه نظر راهبردی، چیزی بیش از ببرهای کاغذی نیستند، با تکیه بر این دیدگاه ما باید تفکر راهبردی خود را بنا کنیم. از سوی دیگر آنها ببرهای زنده، ببرهای آهنی و ببرهای واقعی هستند که میتوانند مردم را بلعند. و بر پایه این دیدگاه، ما باید تفکر تاکتیکی خود را بنیانگذاری کنیم." از آموزه های مائوی بزرگ، استاد پرولتاریای جهان که

امروز 26 دسامبر مطابق به یکصد و بیست و یکمین سالگرد تولدش، او را تمجید کرده و به یادبودش همانند سالهای گذشته بعضی از احزاب و سازمانهای مارکسیست، لنینیست و مائویست یکجا با هم علناً با افتخار بیان میکنیم که "مبارزه آشتی ناپذیر او را در برابر امپریالیزم و ارتجاع، مبارزه بی امان او را در مقابل ریویزیونیزم، و اعتماد بی پایان او را به پروزی انقلاب پرولتری جهان" برای خود سرمشق قرار داده ایم.

امپریالیزم دهلیز سوسیالیزم است، سرمایه داری به جان کندن افتاده و عنقریب توسط انقلاب پرولتری جهانی به خاک سپرده میشود! این نقطه نهایی در مورد مسئله امپریالیزم است تا بتوان با آن، میان مارکسیزم انقلابی و آواکیانیستهای ریویزیونیست که شک ایجاد میکنند و انقلاب کارگری را تکذیب نموده در مقابل امپریالیزم که همانند ببر آهنین با آن پنجه نرم کردن خیلی سخت به نظر میرسد، کرنش نشان داده و از آن ترس در دل می پرورانند، تفکیک نمود. کدام سلطنت هزار ساله برای امپریالیزم و بورژوازی و زمینداران و چاکرانشان وجود ندارد! تصور بقای حیاتیت امپریالیزم یک تظاهر بی بنیاد است که توسط نیروهای سازمان یافته شان، مدافعان منافع شان و اپورتونیستان، برای مخفی نگهداشتن ماهیت اصلی امپریالیزم ابراز شده در حالیکه: سرمایه داری در حالت چروکیدن و فرسوده شدن است، که پایان آن با پایان ارتجاع اجتناب ناپذیر بوده و خیلی دور نمی باشد. چراکه کشمکش های درونی ایشان باعث سر برافراشتن نیروهای قدرتمند انقلابی در سرتاسر جهان اعم از کارگران، دهقانان و دیگر خلق های کارگر که مورد ظلم و ستم ایشان قرار داشتند و پشت شان در زیر بار کار طاقت فرسا خم شده بود، گردیده است. به بحران شدید اقتصادی بنگرید که دامن سرمایه داری را گرفته و آنرا به کام مرگ میبرد! قبل از بحران، بورژواهای امپریالیست کوشش به بلند کردن سنگهایی کردند که توان آنرا نداشتند و سپس آن سنگها بر روی پای خودشان افتاد، چنانچه همیشه در اثر اقدامات ضد بحرانی اتفاق می افتد، ریسمان سرمایه مالی خود را بر گردن ملیونها کارگر، دهقان و نیروهای کاری کشورهای تحت ستم خویش آنقدر تنگ میکنند تا منجر به

تشدید بحران های اجتماعی گردیده در نتیجه سبب تظاهرات، بسیج، شورش و انقلاب در برابر "نظم" جهانی امپریالیستی میگردد. علل عمیق اقتصادی بحران، تولید روز بروز همگانی تر و تملک شخصی روز افزون بوده، و این همان تضاد بنیادی نظام سرمایه داری را تشکیل میدهد و در نفس خود تناقضی است که حل آن تنها توسط انقلاب جهانی کارگری که امپریالیزم را زیر خاک نموده و این چالش را خاتمه خواهد داد، امکانپذیر است. در مقایسه با این، اقدامات ضد بحرانی ارتجاعی، ناتوان و بی ضرر است. وصله های (جایگزین) که توسط اصلاح طلبان که به غلط با نام سوسیالیزم قرن 21 یاد میشوند، و نماینده گان سیاسی دیگر خرده بورژواها نمیتوانند هیچ بهبودی به حال افتضاح اقتصادی نظام امپریالیزم بیاورند جز پوشانیدن و مخفی ساختن بیماری آن.

مرگ بر امپریالیزمی که منبع همه جنگها، ترور ها، گرسنه گی و مرگ جوامع، و باعث نابودی طبیعت است! چهره ناتوان سرمایه داری جهانی که در بحران اقتصادی به سر میبرد، در تحمیل بار عظیم این بحران توسط امپریالیزم و ارتجاع بر شانه های توده های کارگر و مردم جهان، تشدید تمام اشکال استثمار نیروی کار و صد برابر کردن غارت ملل تحت ستم و تخریب بی دریغ طبیعت، آشکار شده است. رهنمان امپریالیست بطور وحشیانه در رقابتند تا به غارت جهانی بپردازند که منجر به توسعه نابرابر کشورهای امپریالیستی میگردد، و در حال مبارزه دیوانه وار برای انحصار دارایی و تراکم سرمایه که لباس دیپلماسی شان را دریده و ماهیت پارازیتی که همانا سلطه سرمایه مالی ایشان است را آشکار ساخته، میباشند و ماهیت جنایتکارانه و ترورسیتی امپریالیزم، در دامن زدن به جنگهای ارتجاعی امپریالیزم روی اختلافات بر سر قلمروها و الحاق سرزمین هایی که قبلاً تقسیم بندی شده و نفوذ شان در آن محدود است- و حمله و اشغال کشورها و سرزمین ها توسط نوکران ارتجاعی محلی و ارتش مزدور که توسط امپریالیزم تسلیح شده و آموزش دیده اند، نمایان گشته است. تمام جنگهایی که در حال حاضر توسط امپریالیست ها تحت نامهایی چون "مبارزه با تروریزم"، "دفاع از دموکراسی"، "حمایت از اقلیت ها" و یا

جنگ‌هایی که با انگیزه های دینی مروج گشته اند، همه جنگ‌های غیر منصفانه و ارتجاعی می باشند! و جزء تجاوز ایشان بر خلق ها و کشورها بوده و جنگ‌هایی هستند که متمرکز بر قتل و نابودی مردم کشورهای چون فلسطین، سوریه، کردستان، عراق، افغانستان، اوکراین، نیجریه... است که همه، حملات امپریالیزم همچون پلنگ‌های آهنین، درنده و تشنه به خون که هیچ یک از آنان از دیگری بدتر و یا ارتجاعی تر نبوده و تمام کشورهای امپریالیستی اعم از امریکا، اروپا و آسیا بدترین ها هستند و تمام شان مشغول دریافت عواید خود از این جنگ‌های منطوقی میباشند و هنگامی که این بحران ها خاتمه پیدا کند، تمام صنایع تسلیحاتی آنها انکشاف یافته شده، جنگ افزارهای جدید خویش را آزمایش نموده و آمادگی کامل برای یک جنگ جهانی امپریالیستی با هدف شکار طعمه های جدید، خواهند داشت.

امپریالیزم هیچ آینده ندارد؛ وجود آن با وجود جامعه ناسازگار است!

هرکسی که راضی به برده شدن نباشد، هرگز اسلحه دست امپریالیزم نخواهد شد! تمام امپریالیست ها و مرتجعین در درازمدت همان ببرهای کاغذی هستند! حقایقیست استخراج شده توسط صدر مائو از تجارب انقلابی توده ها که امپریالیست ها و مرتجعین را در روسیه و چین سرنگون کرد، و ماشین جنگی فاشیزم را در جنگ دوم جهانی نابود کرد، و امپریالیست های فرانسوی و امریکایی را در حالیکه دم شان در میان پاهایشان بود از ویتنام و لائوس و کمبوجیا برون راند، و باز در افغانستان ارتش عظیم سوسیال امپریالیسم روسیه با آن مواجه شد و باعث فرسایش این ارتش گردید و همچنان با ایالات متحده امپریالیست و متحدین آن در ناتو، هنوز در عراق و افغانستان در نبرد اند و در فلسطین در مقابل ارتش صهیونیست و دولت اسلامی در عراق، سوریه و کردستان و ارتش نیو فاشیزم در اوکراین، در نبرد اند. این یک واقعیت انکارناپذیر است که جنگ‌های نابود کننده و خونین امپریالیستها نتوانسته مقاومت خلق ها را در هم بشکنند ولی با وجود مبارزات توده ها، در نبود موقت یک رهبری واقعی، کمونستهای انقلابی منحرف شده و توسط امپریالیست ها و چاکران شان مورد استفاده قرار گرفته

اند و پرچم ملیت گرایی بر مبارزه طبقاتی سایه افکنده است. در واقع، اینها مهلت موقت برای زجرکش کردن امپریالیزم است، چراکه مبارزه ملت ها و خلق های ستم دیده در مقابل ستمگران ریشه بنیادی در تناقض نظام میان تولید همگانی و تملک شخصی دارد؛ پس ملکیت های شخصی باید توسط خشونت انقلابی توده ویران کرده شود تا قدرت متمرکز در دست ستمگران نابود گشته و سرنگون گردد، و امپریالیزم و ارتجاع شکست خورده و مدفون گردند.

آینده از آن سوسیالیزم و کمونیزم است! پاینده باد انقلاب کارگری جهان! ما مقاومت و شورش توده های کارگر را در کشورهای امپریالیستی علیه استثمار، تبعیض و ترور سفید استثمارگران حمایت میکنیم. ما مقاومت قهرمانانه و شورش مردم کشورهای مظلوم را علیه امپریالیستها و چاکران ارتجاعی شان حمایت میکنیم. اما ما تصریح میکنیم که تنها شورش کافی نیست، از شورش به سوی انقلاب باید رفت! و انقلاب از نظر مارکسیزم به گفته لنین "گسست ناگهانی نظام سیاسی کهنه که در تضاد با روابط تولید جدید بوده و باعث فروپاشی نظام میگردد" موضوعی است که ما قبلاً در اعلامیه 26 دسامبر 2013 نیز اینگونه ابلاغ کردیم: "این خط درست و سازگار دفاعی مارکسیزم، لنینیسم و مائویزم است که بر مبنای شناخت خشونت، همان دایه تاریخ و در مبارزات مسلحانه توده ها که یگانه راه اجتناب ناپذیر انقلاب کارگری جهانی است بوجود آمده و توسط مائویزم پرورش یافته و با نیروی نظامی کارگری بین المللی ادغام گشته، به شکل نظری و عملی در جنگ خلق دیده شده و در شکل عالیتر آن، مبارزات ممد سیاسی و یا وسیله های دیگر مبارزه که در کشورهای امپریالیستی و تحت ستم به ما کمک میکند تا قدرت را بدست آوریم." ما جنگ خلق در هندوستان را که توسط حزب کمونیست هندوستان (مائویست) رهبری میگردد، حمایت میکنیم و آنرا منحنی انقلاب کارگری پیشرفته در جهان میدانیم. و ما جنگ های خلق را در شرایط مختلف و اشکال مختلف آن با پیشرفت ها و مشکلات فراراه آن در کشورهای مانند فلیپین، ترکیه و پرو حمایت میکنیم. حقایق نشان میدهد که انقلاب روند عمده در جهان است، تا روشنی سوسیالیزم و کمونیزم از پس ابرهای ارتجاع که به

شکل خطر یک جنگ جدید امپریالیزم با هدف کشتار جهانی گویا تظاهر میکند، نمایان گردد که در آنصورت اصول ما جز: "آنها با انقلاب متوقف کن و اگر ممکن نیست، آنها را مبدل به یک جنگ انقلابی خلق بساز"، نخواهد بود.

راه شکست امپریالیزم از سرکوب اپورتونیزم میگذرد!
"خطرناکترین پدیده در این عرصه به گفتهٔ لنین: کساناست که نمیخواهند درک کنند که مبارزه بر علیه امپریالیزم جز حيله و فریب نخواهد بود اگر گره خورده با مبارزه علیه اپورتونیزم نباشد" جملهٔ که نتایج آن در جنبش های امروز قابل لمس است. نیروهای قدرتمندی که در مقابل نظام جهانی استثمار و ستم به شورش میخیزند؛ نیروهایی هستند که توسط تناقضات متضاد جهان امپریالیزم به ستوه آمده ولی اپورتونیستان مانند دیوار حائل قرار گرفته و باعث دلسردی، انحراف و خارج شدن این نیروها از حالت بسیج گردیده و مسبب آشتی سیاسی استثمارگر و استثمار شده گان و حتی امضای توافقنامه صلح میان ستمکش و ستمگر میشوند. در حالیکه انقلابیون کمونیست در هر کشور بر علیه اپورتونیزم مقابله میکنند، همچنان برای پیاده کردن مفکوره و ایده سوسیالیستی در میان جنبش های خودجوش توده ها، مخصوصاً کارگران تلاش کرده تا مبارزات اقتصادی، سیاسی و نظری طبقه کارگر را تحت یک چتر گردآورده و آنها را جهت بدهد و به شکل جنبش توده مستقل کارا گردد و بتواند که مبارزات سیاسی خود را به پیش ببرد و مبارزه را به شکل پیشرفته تر، یعنی به مبارزه مسلحانه طبقه کارگر و دهقان تبدیل کند و همچنان انقلابیون کمونیست هر کشور برای وحدت و رهایی از مشکلات و وضعیت ناتوان کننده و پراکندگی نیز مبارزه میکنند، چراکه این حالت باعث تمایل به متزلزل شدن و روی آوردن به رویویونیزم تزریقی میگردد ولی مانع تمایل به مبارزه علیه پویایی تزریقی و علاقه به نبرد جنبش توده شده نمیتواند. با این همه نباید فراموش کرد که رویویونیزم ستون پنجم دشمن بین المللی یعنی امپریالیزم در حال حاضر است که نیاز اصلی و بین المللی برای وحدت کمونیست ها را بوجود میآورد. یک توافقنامه عمومی برای شناخت رویویونیزم آواکیانیستها منحیث خطر اساسی فراراه وحدت بین المللی کمونیست ها وجود دارد و

حتی وقتی که این توافقنامه هم حاصل شد نباید به آن اکتفا کرد و جهت فراگیری و بقای وحدت باید یک خط فارق عمومی عمیق ایجاد کرد تا ریویزیونیسم، سنتریسم و تمام انواع اپورتونیسم علامت گذاری شود. و این شرط اساسی و اجتناب ناپذیر ایجاد کمونیسم واحد بین المللی بر مبنای مارکسیسم، لننیسم و مائویسم است. چراکه این چالش اصلی فراراه کمونیسم انقلابی برخاسته از نیروهای اجتماعی علیه پرازیت امپریالیسم است. ما مطمئن هستیم که با تلاش احمقانه هرچه بیشتر پیر مرد برای رسیدن به هدفش، پایان اجتناب ناپذیر امپریالیسم هم دیر نخواهد بود.

بر ضد ریویزیونیسم، سنتریسم و هرگونه اپورتونیسم: زنده باد مارکسیسم، لننیسم و مائویسم!

به سوی یک کمونیسم بین المللی بر مبنای مارکسیسم، لننیسم و مائویسم: به پیش!

26 دسامبر 2014

سازمان کارگران افغانستان (MLM) - (افغانستان)

کمیته شاخه مانتارو روجو - PCP - (پرو)

اتحادیه کمونیست کارگری (MLM) - (کلمبیا)

یادداشت سازمان کارگران افغانستان:

متن اعلامیه به زبان انگلیسی است. رفیق پیاده آنرا به فارسی دری برگردان نموده اند. برگردان شان مورد تایید و تصویب سازمان قرار گرفته، و به نشر میرسد.